

الْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ<sup>۱</sup> پس حقوق ارحام و خویشان و مسکینان و درراه ماندگان را ادا کن که این برای آنان که مشتاق لقای خدا هستند بهترین کار است و اینان (که نیکی کنند) رستگاران عالم‌اند.»

در نگاه دینی، فامیل و خویشاوندان دارای حق هستند و هر فرد موظف است براساس این حقوق، با ایشان برخورد کند و رفتارهای اخلاقی داشته باشد. چهار حق برای خویشاوندان در قرآن بیان شده است:

۱. احسان و نیکی: یکی از حقوقی که خداوند مسلمانان را به رعایت آن فرمان داده احسان و نیکی به خویشان است: «هنگامی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که هرگز جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مسکینان نیکی کنید.»<sup>۲</sup>
۲. صلۀ رحم: صلۀ رحم که همان ارتباطات فامیلی است مورد اهتمام ویژه قرآن و احادیث است.<sup>۳</sup>
۳. رفع نیاز مالی و معیشتی فامیل<sup>۴</sup>
۴. ارث: از دیگر حقوق خویشاوندان نسبی ارث بردن از یکدیگر است که براساس طبقات وارثان اختصاص می‌یابد.<sup>۵</sup>

### ۱-۱. خویشان و همسایگان حق مالی و عاطفی دارند

کمک مالی: مساعدت به هنگام تنگ دستی و گرفتاری، از قبیل قرض دادن یا انفاق کردن، از وظایف اخلاقی خویشاوندان در حق همدیگر است. از منظر فقه اسلامی، صدقه و انفاق به غریبه تا زمانی که درمیان فامیل شخص مستحق وجود داشته باشد، جایز نیست. تا وقتی عموی من، دایی من، خاله من، دچار مشکلات معیشتی یا مالی جدی هستند، کمک به خیریه‌ها و افراد دیگر منطقی و شرعی نیست.

۱. سوره روم، آیه ۳۸.
۲. «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ» (سوره بقره، آیه ۸۳).
۳. «وَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا دِينَ إِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَصَّىٰ بِهِ وَالْأَرْحَامَ» (سوره نساء، آیه ۱).
۴. امام علی علیه السلام فرمود: «أَلَا لَا يَغْدِلَنَّ أَحَدُكُمْ عَنِ الْقَرَابَةِ يَرَىٰ بِهَا الْخِصَاصَةَ أَنْ يَسْذَهَا بِالَّذِي لَا يَزِيدُهُ إِلَّا أَمْسَكَهُ وَلَا يَنْقُصُهُ إِلَّا أَهْلَكَهُ؛ آگاه باشید که هیچ‌یک از شما نباید از بستگان نیازمند خود روی گردان شود و از آنان چیزی را دریغ دارد که نگاه داشتنش مایه فزونی نیست و از بین رفتنش کمبودی برای او نمی‌آورد» (نهج البلاغه، خطبه ۲۳).
۵. «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا؛ برای فرزندان پسر سهمی از ترکه ابویان و خویشان است و برای فرزندان دختر نیز سهمی از ترکه ابویان و خویشان است. چه مال اندک باشد یا بسیار، نصیب هرکس از آن معین گردیده است» (سوره نساء، آیه ۷).

همدلی و هم‌فکری و مهرورزی: گاهی افراد فامیل با توجه به تخصص و کاربلدی یک فرد یا جایگاه او در میان فامیل، نیازمند مشورت و راهنمایی او هستند تا از مشکلی که گرفتارش شده‌اند رها شوند. گاه بر اثر حوادث یا مصیبت‌ها، به بیماری سخت یا از دست دادن عزیزان یا بحران‌هایی مانند طلاق و جدایی گرفتار شده‌اند و عمیقاً نیازمند انس و همدلی هستند و در سکوت به دنبال غمخواری آشنا می‌گردند. گاهی انسان نیازمند کسی است که سنگ صبورش باشد و با او درد دل کند. در این شرایط، خویشان، به خصوص فامیل نزدیک‌تر، به سبب قرابت‌های خونی و اشتراکات زیاد، می‌توانند نقش مؤثر و کم‌نظیری را در التیام دردها و رفع کمبودها و خلأهای عاطفی ایفا کنند. تأکید فراوان تعالیم اسلامی بر صلۀ رحم به دلیل فواید زیادی است که دربر دارد. برخی از این فواید عبارت‌اند از:

۱. افزایش محبت: امام علی (ع): «صِلَّةُ الرَّحِمِ تَوْجِبُ الْمَحَبَّةَ وَ تَكْبِتُ الْعَدُوَّ؛ صلۀ رحم محبت‌آور است و دشمنی را از بین می‌برد.»<sup>۱</sup>

۲. آمرزش گناهان: پیامبر (ص): «الضَّيْفُ يَنْزِلُ بِرِزْقِهِ وَ يَزْتَحِلُّ بِذُنُوبِ أَهْلِ الْبَيْتِ؛ مهمان روزی خود را می‌آورد و گناهان اهل خانه را می‌برد.»<sup>۲</sup>

البته این فواید مهم زمانی نصیب همهٔ افراد فامیل می‌گردند که پایهٔ روابط بر اخلاق گذارده شود و همگی دقت کنند که اگر اندکی از مراقبت‌های اخلاقی فاصله بگیرند، به زودی دل‌ها از یکدیگر فاصله می‌گیرند و اعتمادها سست می‌شوند و همدلی و شفقت آرام‌آرام رنگ می‌بازد و جای خود را به سوءظن و دل‌خوری می‌دهد. سرمایهٔ مهم خویشاوندی را با اخلاق می‌توانیم حفظ کنیم و بدون مراقبت‌های اخلاقی، این سرمایهٔ ارزشمند را به سادگی از کف خواهیم داد.

مصدق بارز مراقبت‌های اخلاقی، سلامت فامیل از زبان و قضاوت ماست. سلامت از زبان به معنای دوری از دروغ، تهمت، غیبت، بدگویی و بددهانی است.

## ۱-۲. رازدار خویشان باشید

یکی از اقتضائات اصل احترام به خویشاوندان مسئلهٔ رازداری است. طبیعی است که

۱. تمیمی آمدی، *غررالحکم*، حدیث ۵۸۵۲.

۲. علامه مجلسی، *بحارالأنوار*، ج ۷۵، ص ۴۶۱، ح ۱۴.



هرکسی برای خود اسراری دارد و ابعاد یا لایه‌هایی از زندگی خود را از تیررس دید و آگاهی دیگران دور می‌کند. درواقع، ابعاد و لایه‌ها حریم خصوصی فرد به‌شمار می‌روند. حال چنانچه او تشخیص دهد که فردی از افراد فامیل می‌تواند محرم اسرار او باشد و بخشی از این حقایق را به وی بگوید، درواقع به وی اعتماد کرده و او را به حریم خصوصی خود راه داده‌است. به تعبیری، حقایق زندگی و حرف‌های خود را نزد او به امانت سپرده‌است. در این شرایط، هرگز نباید با سهل‌انگاری و بدتر، از روی عمد و قصد، راز او را با دیگران بازگفت. این کار خلاف آیین همدلی و صمیمیت و نقض امانت‌داری است. پیامد مهم و تلخ و زیانبار این عمل، از بین بردن اعتماد است، آن‌هم نه فقط اعتماد به خود، بلکه اعتماد به افرادی که صمیمی به‌شمار می‌روند و به این ترتیب، سرمایه اجتماعی شبکه فامیلی، یعنی اعتماد متقابل و هم‌بستگی، از بین می‌رود. البته اینجا استثنایی وجود دارد و آن بازگو کردن راز با دو شرط است: اول کسب اجازه از خود فرد، و دوم با قصد خیرخواهی واقعی و کمک مؤثر به حل مشکل فامیل.

فرض کنید خاله شما در شرایط اقتصادی دوران تحریم، به دلیل ورشکستی شوهرش (شوهرخاله شما)، در فشار شدید معیشتی است، اما این مسئله را به احدی جز شما بازگو نکرده‌است. فرض کنید عموی شما فردی پولدار و خیرخواه است و درمیان گذاشتن این مسئله با ایشان، زمینه را برای کمک به شوهرخاله‌تان فراهم می‌آورد. اینجا پس از درمیان گذاشتن با خاله و همسرش، اخلاق به شما مجوز برملا کردن راز را به‌عمو صادر کرده‌است. در معاشرت‌های حرفه‌ای، مثل پزشکی، مشاوره و روان‌شناسی، به‌صورت تفصیلی به موارد جواز آشکارسازی رازداری پرداخته شده‌است.<sup>۱</sup>

جمع‌بندی: در تحلیل مسئله رازداری در حوزه ارتباطی خویشان، چند نکته قابل بیان است:

۱. راز از جنس آگاهی و خبر است.
۲. جای راز در ذهن و ضمیر رازدار است و او کسی است که از راز آگاه می‌شود.
۳. مالکیت راز متعلق به صاحب راز است.
۴. راز آگاهی و خبری است که باید بر فامیلی که نباید بدانند پوشیده بماند.
۵. رازدان کسی است که به راز واقف می‌شود، خواه صاحب راز به او بگوید و خواه به طریق دیگری از آن آگاه شود.

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: امیراحمد شجاعی، *آیین زندگی*، ص ۱۵۳-۱۷۴.